

Neurophysiological Effects of Cinema on the Collective Identity of Modern Islamic Civilization

Hamed Habibi *
Aliasghar Fahimifar **
Mahdi Jamalifar ***

Received on: 14/08/2024

Accepted on: 16/02/2025

Abstract

This article explores the neurophysiological factors of cinema and their impact on the development of a new Islamic civilization. In the social boomerang of Islam, cinema is an inseparable part of the fabric of modern civilization.

It serves as a tool for well-being and a depiction of the human lived experience, finding its roots in the monotheistic foundation of Islam and the Islamic Revolution. The primary hypothesis of this article is that cinema can institutionalize culture within the framework of society by influencing the neurophysiological structure of the human body, thereby fostering civilized behavior at the societal level. Drawing on insights from psychology and sociology, this article aims to scientifically evaluate this hypothesis to achieve its intended objective. For this purpose, the obtained principle is tested by gathering both partial and general information,

* Ph.D Candidate, Department of Islamic History, Faculty of Quran and Hadith, University of Islamic Studies, Tehran, Iran.

Hamed.Habibi@ut.ac.ir

 0000-0002-3621-4591

** Associate Professor, Art Research Group, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

fahimifar@modares.ac.ir

 0000-0003-4705-7357

*** Assistant Professor, Department of Islamic History, Faculty of Quran and Hadith, University of Islamic Studies, Tehran, Iran.

M.jamalifar@mazaheb.ac.ir

 0009-0006-3576-1346



as well as analyzing neurophysiological data. This process aims to develop a well-formed theory that ultimately addresses the central question of how cinema can transform culture—an internal matter and mental values—into civilization, which is an objective and external phenomenon, influencing a particular type of social life.

Purpose: Our main goal is to explore the logical and systematic relationship between cinema's performance on the human psyche and the efforts to transform unfavorable social conditions into favorable ones, ultimately contributing to the creation of a new Islamic civilization. The motivation of the researcher in this article is to avoid generalizations when addressing the issue of new Islamic civilization. The researcher aims to analyze micro-information in relation to scientific phenomena and physiological processes in cinema to understand why and how a significant percentage of the audience identifies with movie elements. Ultimately, this exploration seeks to determine how we can leverage this knowledge to foster the development of a new civilization.

Methodology: The research method employed is a descriptive-analytical approach, utilizing library resources for data collection. This study systematically examines a hypothesis regarding the role of cinema in shaping behaviors that contribute to the emergence of a new civilization. To conduct this examination, it incorporates scientific observations from psychology and sociology within the context of cinema. Subsequently, we will evaluate the principles derived from this investigation. This test is conducted based on comprehensive and specific information collected through the analysis of neurophysiological data. Ultimately, we arrive at a well-formed theory that objectively and practically defines the role of cinema in the realization, growth, and advancement of a new Islamic civilization.

Findings: The research presented in this article demonstrates that human behavior is a manifestation of genetic influences within individuals, while

the behavior and culture of a society reflect the behavioral genetics of that community.

Considering the mutual influence of environmental and genetic factors on human personality formation and evolution, as well as recent findings in epigenetics, the educational and informative messages conveyed through cinema can significantly impact the brain's "thoughtful behavioral control. The environment's effect on gene expression, has the potential to transform the culture, lifestyle, worldview, and social dynamics of societies, ultimately shaping the civilized behavior of future generations. The new Islamic civilization is evolving in the context of the revolution and the Islamic Republic of Iran in the contemporary era, with revolutionary cinema serving as a significant representation of this civilization. However, this article lacks a foundation in cinematographic and interdisciplinary studies. Feedback Control of Distal Limb Movements via the Intermediate Cerebellar Cortex and the Interposed Nucleus

Conclusion: The factors contributing to the establishment of a new Islamic civilization through the country's art and cinema system can be outlined as follows:

- The Religious Structure of Film and Cinema
- The religious context of the audience
- Society's Educational Ecosystem
- Controlling the Sense of Evolutionism in Individuals and Society
- Promoting a civilization that values anti-tyranny and anti-arrogance.
- Thoughtful behavioral control of society should be based on strengthening the civilization's virtual history and modeling a new Islamic civilization.

With the architectural and engineering design based on the above variables, the cinematographic system can inspire the audience to adopt a pragmatic approach in combating arrogance and striving to transform the

current situation towards the establishment of a new Islamic civilization. This goal may be achieved within the conceptual framework of the aforementioned variables, drawing upon the perspectives of Tabarra and Tawalla in relation to Islamic principles and the civilizational variables of the Islamic Revolution.

Keywords: Civilization, Cinema, Culture, New Islamic civilization, Gene, Behavioral genetics, Neurophysiology.

تأثیرات نوروفیزیولوژیکی سینما بر هویت جمعی تمدن نوین اسلامی

حامد حبیبی *

علی اصغر فهیمی فر **

مهدی جمالی فر ***

چکیده

این مقاله چگونگی تأثیر عوامل نوروفیزیولوژیکی سینما بر تمدن نوین اسلامی را بررسی می‌کند. سینما در بومرنگ اجتماعی انقلاب اسلامی جزء لاینفک پیکره تمدن نوین است و به‌عنوان ابزاری برای بهزیستی و تصویرگری تجربه زیسته بشری در رحم توحیدی اسلام حیات می‌یابد. هدف ما کشف رابطه منطقی و صورت‌مند عملکرد سینما در ذهن، روان و ساختار عصبی انسان برای تغییر وضع موجود و ترسیم تمدن نوین اسلامی است. پرسش کانونی، چگونگی تبدیل فرهنگ (به‌عنوان امری درونی و ارزش‌های ذهنی) به تمدن (به‌مثابه امری عینی و بیرونی) و نوع‌زیست اجتماعی توسط سینماست. فرضیه این است که سینما بر ساختار نوروفیزیولوژیکی بدن انسان تأثیرگذار است و از این طریق می‌تواند فرهنگ را در عینیت جامعه نهادینه و برای تمدن نوین رفتارسازی کند. پژوهش از حیث پژوهش‌های سینمایی و بینارشته‌ای هیچ پیشینه‌ای ندارد و با روش توصیفی و تحلیلی به یک تئوری صورت‌بندی شده می‌رسد که نشان می‌دهد رفتار انسان ترجمان ژن و فرهنگ یک جامعه و بیان ژنتیک رفتاری آن جامعه است. با توجه به تأثیر و تأثر متقابل دو عامل محیط و ژنتیک در شکل‌گیری و تکامل شخصیت انسان و براساس یافته‌های «اپی ژنتیکی»، پیام‌های آموزشی-تربیتی سینما از طریق «کنترل متفکرانه رفتاری» مغز و تأثیر محیطی روی ژن، می‌تواند فرهنگ، سبک زندگی، جهان‌فکر و نوع‌زیست اجتماعی و رفتار تمدنی نسل‌های آینده جوامع را تغییر دهد. با پذیرش این اصل برای رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی باید سینمای انقلاب اسلامی ایران را اسلامی کرد تا ساختارها و بافتارهای بنیادهای تعاملی اجتماعی و تمدنی ایران نیز اسلامی شود.

کلمات کلیدی: تمدن، سینما، فرهنگ، تمدن نوین اسلامی، ژن، ژنتیک رفتاری، نوروفیزیولوژی.

* کاندیدای دکتری، گروه تاریخ اسلام، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

 0000-0002-3621-4591 Hamed.Habibi@ut.ac.ir

** دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

 0000-0003-4705-7357 fahimifar@modares.ac.ir

*** استادیار، گروه تاریخ اسلام، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

 0009-0006-3576-1346 M.jamalifar@mazaheb.ac.ir



بیان مسئله

تمدن را معمولاً به شهرنشینی یا شهرآیینی یا خوی شهری گزیدن و زندگی اجتماعی می‌شناسند (ر.ک: عمید، ۱۳۷۴، ص ۴۲۰). از نگاه ویل دورانت تمدن عبارت است از «خلاقیات فرهنگی که در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۶۷، ص ۱). بنابراین در نتیجه وجود نظم اجتماعی خلاقیات فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و علم و هنر و اقتصاد هم به وجود می‌آیند و نوع نگاه انسان‌ها به یکدیگر و تعاملات اجتماعی آنان متفاوت می‌شود که نوع‌زیست اجتماعی را به وجود می‌آورد.

در خصوص تمدن نوین اسلامی نیز هرگاه «اسلام آموزه» طی فرایندی به «اسلام فرهنگ» تبدیل و در افکار عمومی جاگیر شود، می‌توان به شکل‌گیری «اسلام تمدن» امید داشت.

سینما در پیکره تمدنی دو حیثیت دارد؛ یکی جنبه علمی و آموزشی^۱ و دیگری جنبه هنری که نظریه‌پرداز تئوری تمدن نوین اسلامی قائل است «هر فرهنگی، هر انقلابی، هر تمدنی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود». ایشان معتقد است سینما می‌تواند افکار عمومی را در اختیار بگیرد (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار مدیران صداوسیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) و نسل امروز و آینده را تربیت کند (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلوزیون، ۱۳۸۵/۳/۲۳) و به فرهنگ هویت ببخشد و برای گفت‌وگو میان ملت‌ها زمینه‌سازی کند (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌های کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶). سینما یکی از موضوعات پیچیده انسان مدرن است که به دیپلماسی بین‌المللی کشورها و حکومت‌ها تبدیل شده و در حوزه مسائل امنیتی و دفاعی بسیار تعیین‌کننده است.

موضوع اصلی این است که سینما چگونه می‌تواند فرهنگ را به‌عنوان امری ذهنی و درونی به تمدن به‌مثابه امری عینی و بیرونی تبدیل کند یا به تعبیر دقیق‌تر چگونه می‌تواند ارزش‌های ذهنی

.....
۱. رهبر فقید و کبیر انقلاب اسلامی از سینما به‌مثابه دستگاه آموزش و پرورش یاد می‌کند (خمینی، ج ۶، ص ۴۷۶). در جای دیگر به‌عنوان معلم و مربی انسان (خمینی، ج ۸، ص ۴۹۶) یا عامل تقویت و تربیت نیروی انسانی (خمینی، ج ۸، صص ۴۹۸-۴۹۹) یاد می‌کند.

را به رفتار اجتماعی و نوع‌زیست اجتماعی تبدیل کند. بررسی این موضوع گسترده‌تر از آن است که بتوان همه ابعاد آن را در چارچوب یک رشته بررسی کرد.

این مقاله چگونگی در اختیارگیری افکار عمومی توسط سینما را، به‌منظور تبدیل ارزش‌های فکری جامعه به رفتارهای اجتماعی و نوع‌زیست انسانی جامعه، مذاقه می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که عامل وراثتی ژن چگونه می‌تواند منشأ ایجاد فرهنگ و تمدن در جامعه انسانی باشد؟ یا چگونه سرنوشت انسان و جامعه در ژن‌های او کُدگذاری و رمزدهی شده است؟ و با توجه به نقش تربیتی سینما، چگونه سینما برای تغییر ژنوم یک جامعه می‌تواند از این حقیقت مرموز رمزگشایی کند و فرهنگ و تمدن جوامع را با دگرگونی نوروفیزیولوژیکی انسان، دگرگون کند؟

سینما در بوم‌رنگ اجتماعی جزء لاینفک پیکره تمدن نوین و به‌عنوان ابزاری برای بهزیستی و تصویرگری تجربه زیسته بشری در نسبت با مبانی تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبر انقلاب^۱ در ایجاد نگرش توحیدی جامعه (ن.ک: سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار جمعی از هنرمندان حوزه هنری، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱، سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار مسئولان صداوسیما، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷ و سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۰۶/۲۵) و جهت‌دهی به زندگی عبادانه و ایجاد کرامت انسانی و در تقویت ارزش‌های فرا‌تری تمدن و تعیین سبک زندگی انسانی (ن.ک: حکم انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷) یا بر نوع‌زیست اجتماعی انسان اثرگذار است. فرضیه اصلی نوشتار مبنی بر دگرگونی فرهنگ برای تحقق تمدن نوین در عینیت جامعه به‌واسطه سینما از طریق ایجاد تغییرات نوروفیزیولوژیکی در بدن انسان است.

۱. پیشینه پژوهش

مقاله «الگوی عقلانیت اسلامی انقلابی»، سه سطح از عقلانیت نهادی، سازمانی و عملیاتی را برای نیل به تمدن نوین اسلامی بررسی کرده است و در عقلانیت نهادی و ارزشی تنها به محتوا و

.....
۱. مبانی تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبر انقلاب عبارت است از: «توحید، عبودیت، کرامت انسان، سبک زندگی» (سخنرانی رهبر انقلاب در نشست با تمدن‌پژوهان، ۱۳۹۷/۱۱/۱۱).

فرم پرداخته است. لکن برای تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق سینما اولاً باید سازوکار تأثیرگذاری سینما را و ثانیاً ساختار فیلم را بررسی کند تا مبانی و مبادی اسلامی، کارکرد ویژه‌ای در نهاد سینما پیدا کند؛ در این صورت محتوا و فرم نیز در استخدام ساختار خواهند بود.

هرچند در خصوص تأثیرات تمدنی سینما مقالاتی نگاشته شده است (ن.ک: راسخ، ۱۳۴۴، صص ۱۱-۱۴) و برخی، از جایگاه تمدنی سینما در آمریکا سخن گفته‌اند (ن.ک: گابلر، امپراتوری هالیوود) یا برخی تلاش کرده‌اند بازتاب اخلاقی و روانی سینما را توصیف کنند، (ن.ک: جلالی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۱-۱۴۸؛ سالک، ۱۳۷۷، صص ۱۰۱-۱۱۲) و بعضی نیز از جنبه روان‌شناسی به سینما نگریسته‌اند، (ن.ک: یانگ، ۱۳۹۴) اما محصولی که به مقوله نوروفیزیولوژیکی سینما و سازوکار تأثیرگذاری بر تمدن نوین پرداخته باشد به دست نیامد؛ علی‌رغم این‌که پژوهشگران حوزه بیولوژی به مقوله ژنتیک رفتاری پرداخته‌اند (ن.ک: متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، صص ۶۵-۸۳). آنچه در این مقاله به‌عنوان دستاوردی بدیع کاملاً تجزیه و تحلیل شده است، نحوه تأثیرگذاری سینما بر نهاد فیزیولوژی فرد و همانندسازی تماشاگر سینما (فراتر از مشاهدات اجتماعی و بیرونی بلکه پرداختن به عوامل درونی و فعل و انفعالات شیمیایی بدن در مواجهه با سینما) و توصیف فرایند تأثیرپذیری تمدنی جامعه هدف سینما برای ترسیم و تحقق تمدن نوین اسلامی مبتنی بر مبانی و مبادی اسلامی است.

۲. چهارچوب مفهومی

تمدن هر عصر و جغرافیا با گرایشات ذهنی و روحی و اخلاقی آن ارتباط دارد و زمانی که اندیشه‌های انسان بروز بیرونی پیدا کنند، از فرهنگ به تمدن سیر کرده است. جهان‌فکر سینمایی هر جامعه نیز گویای نوع‌زیست اجتماعی و فرهنگ آن جامعه است. از سینمای وسترن و خشونت کابوی‌های سینمای آمریکا فرهنگ خشونت به وجود می‌آید تا آن‌جا که آمریکا بیشترین آمار جنگ و کشتار و خشونت را در جهان دارد و بیشترین بودجه را برای تسلیحات کشتار جمعی هزینه می‌کند. سینمای احساسی هند همین فرهنگ را بین مردم ترویج می‌کند و سینمای هنرهای رزمی و ریاضت‌کشی شرق، فرهنگ متناسب خود را در جوامع شرقی ایجاد می‌کند. بنابراین آموزه‌های سینما در قالب اسطوره‌ها تبدیل می‌شود به فرهنگ و اندیشه و این جهان‌فکر نیز به‌عنوان تجربیات

زیسته تمدنی تبدیل می‌شود به رفتار اجتماعی و نوع‌زیست جوامع. به عبارتی از زیست‌فرهنگ ایجادشده به واسطه سینما در کشورها و ملل مختلف، زیست‌تمدن مختص آن‌ها به وجود می‌آید. بنابراین اگر به دنبال تحقق تمدن نوین اسلامی هستیم، باید جهان‌فکر و زیست‌فرهنگ مناسب این تمدن را ایجاد کنیم.

جسم، روان، روح: جسم بخش محدود فیزیکی و مادی وجود انسان است و تنها تا مدتی به انسان تعلق گرفته است. روان، لطیفه‌ای ربانی و بخش میانی وجود انسان است که با ذهن ارتباط دارد و روح، هسته مرکزی وجود انسانی است که برای بقا خلق شده است.

ذهن موروثی یا ذهن تاریخی: ذهن موروثی و تاریخی بشر، از جنبه سایکولوژیکی^۱ و روان‌شناسی یونگ، محصول کارکرد روانی تمامی اجداد ما و چکیده هزاران سال تجارب زیسته بشریت یا همان ضمیر ناخودآگاه است؛ از جنبه بیولوژیکی و زیست‌شناسی، همان قوانین ژنتیک در خصوص انتقال صفات به نسل‌های بعد یا همان نظریه سرشت و سرنوشت است؛ از جنبه حکمت و فلسفه نیز آینه رموز و نقوش عالم هستی است که دغدغه و درک و درد مشترک و توارد افکار در زمان‌ها و مکان‌های مختلف را بین ابنای بشر ایجاد می‌کند.

ژن: عوامل وراثتی‌ای که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. از طریق ژن‌ها صفات و خصوصیات والدین به فرزندان منتقل می‌شوند.

ژنتیک رفتاری: بررسی وراثت، خصوصیات رفتاری و شکل‌گیری رفتار براساس ژنوم.

ژنوم: مجموعه ژن‌هایی که در یک سلول انسان یا هر موجود زنده دیگر وجود دارد. ژنوم، یک کتاب دستورالعمل است که هر ژن در آن یک دستورالعمل جداگانه است. در هریک از سلول‌های بدن (جز گلبول‌های قرمز خون) یک جلد از این کتاب وجود دارد و به زبانی نوشته شده است که فقط سلول‌ها می‌توانند آن را بخوانند. برای فهم اسرار ژن‌ها، باید با تلاش فراوان این زبان را آموخت. این تلاش بین‌المللی، طرح یا پروژه ژنوم انسان نام دارد.

علم ژنتیک: بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران

می‌پردازد. با استفاده از قوانین و مفاهیم موجود در این دانش، می‌توانیم به همانندی یا ناهمانندی دو جاندار در مقایسه با یکدیگر پی ببریم و بدانیم که چگونه و چرا این همانندی یا ناهمانندی در یک جامعه گیاهی یا جانوری به وجود آمده است. تعریف دانش ژن‌شناسی این است؛ انتقال داده‌های زیستی از یک سلول به سلولی دیگر یا از پدر و مادر به نوزاد و نسل‌های آینده.

فیزیولوژی: دانش بررسی نحوه کارکرد اندام‌های مختلف بدن و درک دقیق عملکرد این اندام‌ها و سیستم‌ها با کمک روابط و اصول فیزیک و ریاضی.

نوروفیزیولوژی: شاخه‌ای از فیزیولوژی و علوم اعصاب است که به بررسی عملکرد سیستم عصبی اندام و حوزه فیزیولوژیک اعصاب می‌پردازد.

۳. روش پژوهش

این نوشتار تلاش می‌کند به روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای و با رویکرد علمی، با توجه به مشاهدات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در سینما به صورت منطقی فرضیه رفتارسازی سینما برای تحقق تمدن نوین را آزمایش کند. سپس اصل به دست آمده را با جمع‌آوری اطلاعات (جزئی و کلی) و تجزیه و تحلیل داده‌های نوروفیزیولوژیکی، بیازماید. بعد به یک تئوری صورت‌بندی شده مشخص برسد؛ تا نهایتاً به این موضوع قانونی به صورت عینی و کاربردی بپردازد که سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر تمدنی و ابزارهای تمدن‌زایی چگونه می‌تواند مسیر را برای رشد و تعالی تمدن نوین اسلامی ارتقا بدهد.

۴. بررسی تمدنی سینما با رویکرد روان‌شناسی

فیلم و سینما بر روان تماشاگر تأثیر چشم‌گیری دارند. «روان انسان کاملاً به ویژگی‌های فیزیکی او بستگی دارد و هرگونه اختلال در مغز باعث اختلال در روان انسان می‌شود» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

تأثیر سینما بر روان انسان دربرگیرنده نکات ظریفی از روان‌درمانی و روان‌پالایی است و به روان جمعی بشریت در جهت بازگشت به اصل فطرت و افزایش دانش و دریافت الهامات، تخلیه

هیجانان و کاتارسیس^۱، تعمیق بینش و نگرش و رفع نگرانی‌ها و دگرگونی در طبع و مزاج و افزایش توانش برای ایجاد تحول در جامعه کمک می‌کند.

جالب است که یک فرد در شرایط گوناگون واکنش‌های گوناگونی از خود نشان می‌دهد. مثلاً، واکنش فرد در خصوص یک موضوع در میان جمع با واکنش او در خصوص همان موضوع وقتی تنهاست متفاوت است. برای ترسیم تمدن نوین اسلامی از طریق سینما باید به دو متغیر توجه نمود؛ اول ساختار دینی فیلم و سینما به‌منظور تخلیه هیجانان تماشاگر و کاتارسیس در موضوعات منطبق با فطرت الهی و دوم بافتار دینی توده تماشاگران سینما که البته تابعی از متغیر اول است.

از جنبه روان‌شناسی توده، باید گفت فرد در میان جمع از استقلال فکری کمتری برخوردار است و به همان نسبت از استعداد تلقین‌پذیری بیشتری برخوردار است. در خصوص سینما و روان‌شناسی، همیشه تماشاگر را در میان جمع و توده تماشاچیان مشاهده می‌کنیم؛ یعنی با «فرد در میان جمع» مواجهیم و بنابراین تماشاگر تابع اصل اکتشافی روان‌شناسی توده خواهد بود.

معنای این اصل روان‌کاوی در سینما تضعیف جنبه فعالانه فاعلی (اکتیویته)^۲ و تشدید جنبه انفعالی منفعلانه (پاسیویته)^۳ تماشاگر در برابر فیلم است (ر.ک: صاحب‌الزمانی، ۱۳۴۳، ص ۴۴۲).

«تاکنون ژن‌هایی کشف شده‌اند که نقش آن‌ها در تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف روانی انسان ثابت شده است. پژوهش‌ها در علوم اعصاب نیز به‌گونه‌ای ارتباط نزدیک روان و ماده و پیوند بین آن‌ها را اثبات می‌کند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

به عقیده دانشمندان روان‌شناسی و روان‌شناختی، شکل‌گیری شخصیت انسان نشئت‌گرفته از عوامل محیطی نظیر خانواده، دوستان و محیط اجتماعی است. در مقابل، زیست‌شناسان و دانشمندان علم ژنتیک بر آن‌اند که عوامل وراثت و ژنتیکی در شکل‌گیری شخصیت انسان نقشی تعیین‌کننده دارند (ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۱، صص ۱۸۲-۱۸۳). اما بیان تفصیلی و جمع بین این دو نظریه از مقبولیت بیشتری برخوردار است؛ به این طریق که شکل‌گیری و تکامل شخصیت انسان ناشی از هر دو عامل محیط و ژنتیک است که از این نظریه با عنوان «تأثیر و تأثر متقابل ژن - محیط» یا

1 . Catharsis

2 . Active

3 . passive

نظریه «سرشت و تربیت» (G x E) نام برده می‌شود (ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

بنابراین بین تاریخ و سینما با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی می‌تواند همگرایی روشی و محتوایی و معنایی وجود داشته باشد. «شواهد نشان می‌دهند که همه ابعاد روان انسان به کنش‌هایی وابسته‌اند که در بافت‌های مختلف مغز انجام می‌گیرند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

۵. بررسی تمدنی سینما با رویکرد جامعه‌شناسی

پیام‌های سینمایی و تفکرات حاکم بر جهان فیلمیک و ریاضیات داستان به سرعت «واگیری اجتماعی» پیدا می‌کنند. منظور از «واگیری اجتماعی» در این بحث ایجاد یک «مرکز تجمع‌های اجتماعی» به نام «سینما» در دل جامعه بشریت است که کارش نشر و اشاعه بسیار سریع یک اندیشه یا احساس و عاطفه در تعداد بالاست.^۱ در این فرایند اجتماعی، شاهد کنش‌هایی از مردم هستیم که طی آن هر گرایش، هنجار و الگوی رفتاری خوب و بدی، بدون هیچ‌گونه منطق و تفکر و تعمقی، با سرعتی باورنکردنی، در جامعه گسترش پیدا خواهد کرد. مثلاً، پس از ظاهر شدن بدون زیرپیراهن کلارک گیل^۲ در فیلم یک شب اتفاق افتاد^۳، فروش زیرپیراهن (طبق برخی گزارش‌ها تا ۷۵ درصد) کاهش پیدا کرد (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۲۴۴). این فقط نمونه‌ای از واگیری اجتماعی است که به سبب تشابهات بین فیلم و دنیای واقعی، انسان را به تقلید وامی‌دارد. نمونه‌های این چنینی در دنیای سینما فراوان است؛ پس از اینکه جنیفر آنیستون^۴ در فیلم دوستان^۵ در اوایل دهه ۱۹۹۰ با مدل موی معروف به راشل^۶ ظاهر شد، این مدل مو تقریباً در هر مکانی مشاهده می‌شد. یا تکیه کلام «پیش به سوی زندگی»^۷ که میلیون‌ها نفر با الهام از هری کثیف^۸ آن را به کار می‌بردند (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۲۴۴).

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم واگیری اجتماعی، ر.ک: بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۴۸؛ ساروخانی، ۱۳۷۰، صص ۶۹۵-۶۹۶؛ شایان مهر، ۱۳۷۷، صص ۵۵۸-۵۵۹؛ کوئن، ۱۳۸۰، ص ۳۲۹.

۲. Clark Gable

۳. *It Happened One Night*

۴. Jennifer Aniston

۵. *Friends*

۶. The Rachel

۷. Go ahead, make my day

۸. Dirty Harry

سینما در انتقال ناآگاهانه خاطرات به ذهن تماشاگر، در محیطی که پذیرا باشد، موفق عمل کرده است. سرایت اجتماعی آموزه‌های سینما ممکن است چنان افراد عادی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد که تا مدتی تعادل خود را از دست بدهند و به اعمال ناهنجار اجتماعی روی بیاورد. مثلاً، پس از تماشای فیلم *تختخواب سوزان*^۱، برخی زنان از این فیلم الگوبرداری کردند و همسران بدرفتار خود را به آتش کشیدند (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۲۴۴) که این وقایع بازتاب چشم‌گیری در رسانه‌ها داشت. شاید فراوانی ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از الگوبرداری بسیار بیشتر از آنی باشد که به نظر می‌رسد. «در یک تحقیق گزارش شد که یک‌چهارم از بزرگسالان زندانی که با آن‌ها مصاحبه شده بود، حداقل یک بار با الگوگیری از فیلم‌ها جنایت کرده بودند» (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵). سینما از طریق نوروهای آینه‌ای مخاطبان خود را تحریک می‌کند و آنان را به انجام کاری یا رفتاری دعوت می‌کند و از طریق تقلید، آن رفتار در جامعه واگیردار می‌شود. البته، سرایت یا واگیری اجتماعی از طریق صنعت سینما می‌تواند موجبات اشاعه ناهنجاری‌های اجتماعی و پذیرش آنان را فراهم کند و رفتارسازی مثبت و سازنده بکند. مانند آنچه در ایران طی سال‌های گذشته در خصوص بستن کمر بند ایمنی در اتومبیل اتفاق افتاد. تصور کنید روی تک‌تک مظاهر و متغیرهای هویت بخش تمدن نوین اسلامی نیز چنین تلاشی صورت بپذیرد. بنابراین چنانچه به ترسیم تمدن نوین اسلامی می‌اندیشیم، سینما مهم‌ترین ابزار ترسیم آن در جامعه است؛ آن‌گونه که نه تنها تصویرسازی بلکه رفتارسازی و فرهنگ‌سازی نیز می‌کند.

براساس یافته‌های «اپی ژنتیکی» بین نسلی و تجزیه و تحلیل اپی ژنوم (Pembrey, 2018, P.1؛ همچنین ر.ک: اکرمی، ۱۳۹۱؛ متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸)، تأثیرات پیام‌های آموزشی و تربیتی سینما می‌تواند به عنوان الگوی اجتماعی نسل‌ها و تأثیرات محیطی روی ژن، فرهنگ و اخلاق و رفتار و سبک زندگی نسل‌های آینده را هم تحت الشعاع قرار دهد. تحقیقات نشان داده‌اند که ژن‌ها از محیط تأثیر می‌گیرند (ر.ک: آلبرتس، ۱۳۸۷، ص ۶۹۳). «بیان ژن می‌تواند تحت تأثیر فاکتورهای کنترل‌کننده بسیار زیاد و متفاوت از محیط زندگی قرار بگیرد. آن وقت اطلاعات و پیام‌ها از محیط زندگی به سلول منتقل می‌شوند و فعالیت‌های یک موجود زنده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۱). یعنی ژن‌ها توانایی انتقال شرایط فکری و فرهنگی محیط

1. The Burning Bed

پیرامونی خود به نسل آینده را دارند. بنابراین تأثیرات سایه‌مانند سینما، می‌تواند تغییرات اجتماعی و استحاله فرهنگی و مذهبی و عقیدتی جوامع را رقم بزند یا به تعبیری ژنوم جامعه و ذهن موروثی و تاریخی جوامع را تحت تأثیر قرار دهد و با تغییر رفتار و سبک زندگی جوامع بر پارامترهای فرهنگ و تمدن جوامع اثرگذار باشد. پس همان‌گونه که معتقدیم فرهنگ مانند اکسیژن است و باید سالم‌سازی محیطی-روانی در جامعه را با جدیت دنبال کرد، متغیر دیگر، در ترسیم چند نسل تمدن نوین اسلامی متغیر محیطی است. بنابراین باید زیست‌بوم تربیتی جامعه را سامان داد و معماری و مهندسی سینما مؤثرترین ابزار برای ساماندهی این زیست‌بوم است.

رفتار انسان ترجمان ژن در وجود انسان است.^۱ «فعالیت پروتئین‌ها و مولکول RNA، که ژن‌ها دستور ساخت آن‌ها را می‌دهند، درواقع، کنترل‌کننده واقعی فعالیت‌های سلولی و در سطحی بالاتر، رفتارهای انسان هستند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۱). اگر نوزاد از پدر یا مادر یا از هر دو ژن بد به ارث برده باشد، طبیعی است که در بزرگسالی دچار اخلاق و رفتار بد شود. اما در ارزیابی ویژگی‌های فیزیولوژیک رفتاری و روانی در انسان باید نقش ژن‌های متفاوت و محیط باهم بررسی شوند.^۲ یعنی اخلاق و صفات و ذهنیات و رفتار برگرفته از آن ذهنیات به دو فاکتور ژنتیک و محیط (جغرافیا یا زیست‌بوم تربیتی) بستگی دارد. ازاین‌رو رفتار و فرهنگ یک جامعه بیان ژنتیکی آن جامعه است. در نتیجه فرهنگ عمومی ایرانیان، یونانیان، هندی‌ها، چینی‌ها، سرخ‌پوستان و انگلوساکسون‌های آمریکایی یا یهودیان و مسیحیان و مسلمانان و... در عین همه شباهت‌ها، هیچ‌گاه نمی‌تواند یکی باشد و قطعاً تفاوت‌هایی باهم دارند؛ چون هر اجتماع ژنی را از گذشتگان خود به ارث برده است که ذهن موروثی او را می‌سازد و این ژن در ارتباط با جغرافیا و محیط زندگی و فرهنگی او قرار دارد که روح جمعی و روان اجتماعی آن جامعه را شکل می‌دهد و به نوع زیست تمدنی آن جامعه تبدیل می‌شود. براین‌اساس اگر جامعه‌ای مستبد شد، حاکمان و

۱. «پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده روی دوقلوهای همسانی که از زمان تولد از یکدیگر جدا شده‌اند یا مستقل از یکدیگر به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند نشان داده است که ژن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیاری از رفتارهای انسان دارند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۶۹).

۲. «نتایج این تحقیقات نشان‌دهنده آن است چیزی که به ارث برده می‌شود رفتار بد نیست، بلکه حساسیت ژنتیکی به فاکتورهایی است که در محیط زندگی وجود دارند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۳).

حکومت آن نیز مستبد خواهند شد و این نوع‌زیست جامعه مستبد است که حاکمی را مستبد می‌کند.

۶. بررسی تمدنی سینما با رویکرد نوروفیزیولوژیکی

برای بررسی تأثیرات نوروفیزیولوژیکی سینما بر فرهنگ و تمدن جوامع، ابتدا باید به روش استقرایی مشخص شود که سینما بر فعل و انفعالات شیمیایی مغز اثرگذار است تا این مقدمات از نتیجه به صورت محتمل پشتیبانی کنند و بعد با توجه به اصول گفته شده به استفاده منطقی از فرضیه می‌پردازیم که این فعل و انفعالات بر فرهنگ و تمدن و نوع‌زیست اجتماعی جوامع اثرگذار است یا خیر و درنهایت به تأیید یا رد فرضیه برسیم.

تابه حال فکر کرده‌اید که تماشاگر فیلم پس از دیدن فیلمی تراژیک و غم‌انگیز چه احساسی پیدا می‌کند و به لحاظ شیمیایی چه کنش‌هایی در مغز و سیستم عصبی او صورت می‌گیرد و کنش‌ها باعث چه فعل و انفعالاتی در بدن و روان او می‌شود؟ طبیعتاً تماشاگر فیلم در پاسخ به گستره وسیعی از احساسات اشک می‌ریزد و هیجانات عاطفی خود را تخلیه می‌کند. او، پس از تماشای فیلم تراژدی و کمی احساساتی شدن و اشک ریختن، به آرامش درون و تزکیه و روان‌پالایی و تهذیب روان و به قول ارسطو، به کاتارسیس می‌رسد.

سینما مستقیم با افکار و احساسات بشر در ارتباط است. «افکار، احساسات، غم‌ها و شادی‌ها، رؤیاها و آرزوهای انسان همگی بر اثر فعالیت‌های فیزیولوژیکی^۱ مغز به وجود می‌آیند. پردازش اطلاعات در مغز موجب ایجاد فعل و انفعالاتی می‌شود که از آن به عنوان «روان» نام برده می‌شود» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۷).

محققان متوجه شده‌اند که گریه کردن اثری آرام‌بخش و تسکین‌دهنده دارد و سیستم عصبی پاراسمپاتیک (PNS) را فعال می‌کند (Gračanin et al, 2014). علاوه بر این، اشک می‌تواند با آزادسازی هورمون نوروهیپوفیزیال «اکسی‌توسین»، که از آن به «هورمون عشق» تعبیر می‌شود و نیز غدد مخاطی و هیپوتالاموس با آزادسازی هورمون «اندورفین»، که مرفین طبیعی بدن خوانده

۱. physiology، علم وظائف اعضای بدن

می‌شود و شبیه مخدرها عمل می‌کند (Gračanin et al, 2014)، به تخفیف و تسکین درد کمک کند.^۱ این مواد شیمیایی و نوروپپتیدها باعث می‌شوند که افراد احساس خوب و خوش و لذت‌بخش و آرامش‌بخشی داشته باشند. همچنین، به واسطه توقف ارسال پیام‌های درد به سوی مغز، درد ناشی از صدمات جسمی و عاطفی در وجود افراد کاهش پیدا می‌کند یا از بین می‌رود (Gračanin et al, 2014). اشک‌ریختن احساس بهزیستی را افزایش می‌دهد و روحیه فرد را تقویت و به بهبود خلق‌وخو کمک می‌کند (Burgess, 2017). هنگام ترشح اشک، سموم بدن آزاد و دو محرک عصبی بسیار مهم نیز ترشح می‌شوند که استرس‌های عصبی را تخلیه می‌کنند و سبب تسکین استرس می‌شوند (Murube MD, 2009, P.171). ترکیباتی مانند اندورفین و پرولاکتین که حین استرس در بدن جمع شده‌اند با اشک خارج می‌شوند و همین امر باعث کاهش استرس و افزایش سطح سلامت فرد می‌شود. بنابراین، سرکوب گریه و اشک باعث افزایش استرس و افزایش ابتلا به بیماری‌های مرتبط با استرس می‌شود. در نتیجه کاتارسیس و روان‌پالایی خواص درمانی دارد و به بهزیستی و بهبود خلق‌وخو فرد کمک می‌کند.

باید توجه داشت که هورمون‌ها مواد بیوشیمیایی هستند که متابولیسم بدن را تنظیم می‌کنند و پارامترهایی مانند سلامت، خلق‌وخو و ظاهر فرد به آن‌ها بستگی دارد. یعنی با سینماتراپی می‌توان بنیادهای تعاملی جامعه را درمان کرد و زیست‌بوم تربیتی را مبتنی بر تمدن نوین اسلامی سامان بخشید.

خنده عمیق و واقعی واکنش دیگر تماشاگر سینماست. خنده وسیله قدرتمندی برای شفای بیماران و واکنشی قوی علیه بیماری‌های لاعلاج یا فشارهای روانی است. سینما و فیلم می‌توانند انسان را خنده‌درمانی کنند. خنده تغییرات فیزیولوژیک گسترده‌ای در بدن ایجاد می‌کند، مانند بهبود عملکرد هضم، تنظیم سیستم‌های داخلی و بهبود جریان خون (شعبی، ۲۰۱۸، ص ۱۷). خنده می‌تواند به افزایش فعالیت سیستم دفاعی و ایمنی بدن منجر شود. البته، نباید فراموش کرد که به عقیده فروید «لطیفه و طنز بیان اجتماعی پذیرفته‌شده‌ای از پرخاشگری ناهوشیار است» (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵). یعنی افراد از طنز بهره می‌گیرند تا ناکامی‌ها و آرزوهای خود را بدون هیچ‌گونه ترس بیان کنند.

.....
 ۱. نقش اصلی اندورفین‌ها: ۱. تسکین درد، ۲. تنظیم ترشح هورمون هیپوفیز و ۳. تنظیم متابولیسم گلوکز است (نظرعلی و همکاران، ۱۳۹۱، صص ۳۷-۵۰).

طبق بررسی‌های انجام‌شده پس از مشاهده یک کلیپ خنده‌دار روی بزاق بیماران، مشخص شد سطح ایمونوگلوبین‌ها، که عوامل مقابله‌کننده با بیماری‌ها هستند، افزایش می‌یابد (شعبی، ۲۰۱۸، ص ۱۵). خنده با کاهش کورتیزول، افزایش هموگلوبین، افزایش فعالیت سلول‌های کاهنده درد و افزایش سیتوکینین دستگاه ایمنی را تقویت می‌کند. همچنین، خنده نقش مهمی در پیش‌گیری از حملات قلبی دارد و نوعی ماساژ قوی برای قلب است (شعبی، ۲۰۱۸، ص ۱۱). هورمون‌های شادی‌آور به بدن و روح انسان کمک می‌کنند تا با شرایط سخت کنار بیاید و دوباره شاد شود و از زندگی لذت ببرد.

بتا اندورفین، علاوه بر کاهش درد، سبب ایجاد خوشحالی و نشاط در فرد می‌شود (نظرعلی و همکاران، ۱۳۹۱، صص ۳۷-۵۰). اندورفین، که بر اثر اشک و گریه آزاد می‌شود (Gračanin et al, 2014)، به گیرنده‌های حالت آرام‌بخشی در مغز فشار می‌آورد و این گیرنده‌ها مسیر دوپامین را باز می‌کنند و باعث می‌شوند که دوپامین بیشتری درون سیناپس‌ها آزاد شود. برخی دانشمندان دوپامین را مولکول لذت و مسیری را که سلول‌های تولیدکننده دوپامین در آن فعال‌اند مدار پاداش نامیده‌اند (لیبرمن و لانگ، ۱۳۹۷، صص ۱۱-۳۴). دوپامین هورمونی است که از سلول‌های مغز ترشح می‌شود و به لحاظ ذهنی انسان را هوشیار نگه می‌دارد. وقتی مرکز لذت، که مرکز پاداش نیز نامیده می‌شود، فعال است، احساس خوشی و لذت در ما به وجود می‌آید. خوردن بخشی از یک کیک، مقداری ماکارونی یا هر غذای دیگری که دوست دارید این مرکز را فعال می‌کند. برنده شدن در یک رقابت، پذیرفته شدن در یک آزمون، ستایش شدن و دیگر تجربه‌های خوشایند نیز این مرکز را فعال می‌کنند (ر.ک: حائری روحانی، ۱۳۹۵). حتی با دیدن صحنه‌ای هیجانی از یک فیلم یا شنیدن موسیقی‌ای لذت‌بخش می‌توانیم شاهد فعالیت سلول‌های عصبی باشیم که این مرکز لذت را می‌سازند و با زبان شیمیایی دوپامین باهم ارتباط برقرار می‌کنند. هورمون شادی‌بخش بر اثر خوشحالی نیز آزاد می‌شود. در چندین پژوهش نشان داده شده است که گوش دادن به موسیقی می‌تواند موجب افزایش فعالیت بخش‌های لذت و پاداش مغز شود که پُر از گیرنده‌های دوپامین‌اند (حوزه کلینیک گروه علمی پزشکی باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۷/۹/۱۱). وقتی از تماشای یک صحنه در فیلمی خوشحال می‌شویم هورمون دوپامین در بدنمان آزاد می‌شود (مجله سرگرمی باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۶/۲/۲۵). کمبود این هورمون موجب نداشتن تمرکز، بی‌توجهی، بدخواهی، تنبلی و بدخلقی می‌شود.

احساس نوگرایی با درجه بالا در انسان بر اثر وجود مولکول‌های شیمیایی دوپامین است که صفت‌های تهییج‌پذیری، تحریک‌پذیری ناگهانی، افراطی عمل کردن در سخن و عمل، هیجان‌طلبی، بی‌نظمی، ماجراجویی و احساس رها بودن از هر قیدوبندی از ویژگی‌های فرد نوگراست (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۲). یعنی با فردی آزاداندیش و ساختارشکن مواجهیم. فرد نوظلب، با احساس هیجان، خواهان اجرای اعمال خطرآفرین و خطرناک و درعین حال، از آسیب دیدن نیز اجتناب می‌کند که ریشه‌های آن در بخشی از مغز به نام آمیگدال است (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۲). آمیگدال ناحیه آگاهی رفتاری است که در سطحی نیمه‌آگاه عمل می‌کند و وضعیت کنونی شخص را در رابطه با محیط اطراف و افکارش به داخل سیستم لمبیک به تصویر می‌کشد. براساس این اطلاعات، آمیگدال مسئول مناسب‌سازی واکنش رفتاری شخص برای هر موقعیتی است تا او را به وضعیت مطلوب برساند (Guyton, 2016, P.760). در جامعه انقلابی می‌توان این احساس نوگرایی، خطرپذیری، آزاداندیشی، ساختارشکنی و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب را با ساخت فیلم‌های هدفمند به سمت ترسیم تمدن نوین اسلامی در افکار، رفتار، فرهنگ و تمدن تماشاگر هدایت کرد. بنابراین کنترل احساس نوگرایی در فرد و جامعه نیز یک متغیر تمدنی دیگر در مهندسی سینمایی است.

فعالیت دوپامین فقط شاخص لذت نیست، بلکه نوعی واکنش در برابر پيشامدهای شگفتی‌زا و رویدادهای محتمل و پیش‌بینی‌هاست؛ مغز انسان طوری طراحی شده است که شیفته اتفاق‌های غیرمنتظره و چشم‌به‌راه اتفاق‌های آینده باشد (لیبرمن و لانگ، ۱۳۹۷، صص ۳۴-۱۱)؛ آینده‌ای که آستن رویدادهای هیجان‌انگیز بسیاری است. وقتی همه‌چیز عادی و روزمره شود و از هیجان عاری، مغز به موضوعات جدیدتر گرایش پیدا می‌کند (لیبرمن و لانگ، ۱۳۹۷، صص ۳۴-۱۱). یعنی زبان شیمیایی هورمون دوپامین رشته‌های نورونی اعصاب انسان را به مقابله با وضع موجود دعوت و برای رسیدن به وضع مطلوب و موقعیت جدید ترغیب می‌کند. درواقع، این هیجان برخاسته از اخبار خوب و غیرمنتظره است که اهمیت دارد. بحث دانیل لیبرمن و مایکل لانگ در کتاب دوپامین، مولکولی با خواص شگفت‌انگیز این است که چگونه این ماده خاص مغزی می‌تواند فرایند خلاقیت را ایجاد و مسیر سرنوشت نوع بشر را تعیین کند (لیبرمن و لانگ، ۱۳۹۷). درنتیجه احساس نوگرایی‌ای که با تماشای یک صحنه خوشحال‌کننده و شگفتی‌زا در فیلم به انسان دست می‌دهد می‌تواند آینده نوع بشر را تحت‌الشعاع قرار دهد. یعنی نوع‌زیست اجتماعی و رفتارهای

تمدنی یک جامعه را مشخص کند. مثلاً، هیجانات و شگفتی‌ها و احساس نوگرایی که با تماشای فیلم ماتریکس در تماشاگر رخ می‌دهد می‌تواند انسان را برای تغییر وضع موجود و تحصیل وضع مطلوب (آرمان‌شهر صهیون) ترغیب کند. اساساً سینمای هالیوود در رفتارهای تمدنی جامعه آمریکا در خصوص نژادپرستی و حمایت از صهیونیست نقش اساسی دارد. همچنین سینمای ایران نیز در تلاش است تا نوع‌زیست و رفتار تمدنی ملت ایران را در خصوص ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی تقویت نماید که یکی از متغیرهای بسیار مهم تمدن نوین اسلامی است. بنابراین در تماشاگر ایرانی پس از تماشای فیلم‌های سینمای ایران احساس نوگرایی به وجود می‌آید و با آزادسازی هورمون‌های دوپامین به‌منظور مقابله با وضع موجود (حاکمیت آمریکا و صهیونیست بر جهان) و رسیدن به وضع مطلوب (ایجاد تمدن نوین اسلامی) ترغیب می‌شود و نوع‌زیست اجتماعی و رفتار تمدنی ملت ایران بر این اساس ایجاد و تنظیم می‌شود.

به همین ترتیب، هر واکنش فرد هنگام تماشای فیلم می‌تواند موجب فعال‌سازی غدد و آزادسازی هورمون‌ها و فعالیت پپتیدها و تشکیل شبکه‌های نورونی در سیستم عصبی انسان شود. با این فرض که تماشاگر هنگام تماشای فیلم مرز جهان فیلمیک داستان و جهان واقعی را محو می‌کند، این امور واقعاً جزئی از تجارب زیسته او محسوب می‌شوند که هرگز خودش تجربه نکرده،^۱ اما می‌تواند در روند اخلاقی و رفتاری و سبک زندگی و بهزیستی‌اش مؤثر و تعیین‌کننده باشد. مانند تجربه مبارزه با داعش، اسرائیل، آمریکا یا دوستی با مردم مظلوم فلسطین و کمک به مظلوم و...

بنابراین سینما با تغییرات فیزیولوژیکی و نورویولوژیکی^۲ و سایکولوژیکی می‌تواند

.....
۱. به عقیده یونگ، ما آدم‌ها خاطراتی را با خودمان حمل می‌کنیم که در سال‌های زندگی‌مان آن‌ها را به دست دست نیاورده‌ایم (دهقان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵). بنابراین فرد بعدها در زندگی خود با اموری کاملاً تازه مواجه می‌شود و احساس آشنایی با آن امور را دارد. این احساس آشناپنداری یا دژاوو (déjà vu) شاید مربوط به همین تجربه‌های زیسته‌ای باشد که در اعماق مغز فرد پنهان شده‌اند و لایه‌های زیرین ذهنی او را تشکیل داده‌اند و با اتکا به این احساس آشناپنداری قوه تصمیم‌گیرنده مغز فرد در بحران‌ها شروع می‌کند به فعالیت و تصمیم‌گیری برای آینده.

۲. Neurobiology، علم زیست‌شناسی عصبی

توانایی‌های سازنده انسان را برای بروز رفتار تمدنی و کسب تجارب زیسته و بهزیستی افزایش دهد و با زدودن منفی‌بافی‌ها و ایجاد رؤیای جمعی و آرزو و امید به آینده شهادت فرد را برای خطرپذیری و پرهیز از آسیب با شناخت نقاط خطر و بحران و تغییر وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب و ترسیم تمدن نوین تقویت کند.

۷. نقش تأثیرات ژنتیکی سینما در ایجاد تمدن نوین اسلامی

ژنتیک رفتاری^۱ یکی از حوزه‌های پژوهش در علم ژنتیک است که در آن به پژوهش درمورد وراثت، خصوصیات رفتاری و شکل‌گیری رفتار براساس ژنوم پرداخته می‌شود (ر.ک: بیکر، ۱۳۸۷، ص ۵۹). «در تحقیقات و پژوهش‌های جدید ژنتیک، مشخص شده است که ژن‌ها نه تنها در بروز صفات فیزیکی مانند اطلاعات مربوط به قد، رنگ مو و رنگ چشم که در مولکول دی.ان.ای (DNA) نهفته‌اند و فرزند از پدر و مادر به ارث می‌برد نقش دارند، بلکه در ایجاد رفتارها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

همه افکار و احساسات تماشاگر فیلم سینمایی در شبکه‌های نورونی مغز ساخته و به هم متصل می‌شوند. برای هر حالت احساسی ما یک هورمون وجود دارد. هیپوتالاموس هورمون‌های نورونی را، که با حالات احساسی ما در تجربیات زیسته مطابقت دارد، جمع‌آوری می‌کند و غده هیپوفیز آن را در جریان خون رها می‌کند. این هورمون‌ها مسیر خود را به مراکز بخش‌های مختلف بدن پیدا می‌کنند و میلیاردها سلول بدن آن‌ها را جذب می‌کنند و سیگنالی به آنان ارسال و آنان را تحریک و دگرگون می‌کنند. به این صورت شاهد دگرگونی در رفتار اشخاص هستیم. ایجاد این شبکه‌های نورونی، خاطره یا فکر مرتبط با آن شبکه را می‌سازد. «فرایند فکری حافظه‌ها و خاطرات درازمدت را حرکت نوسانی رفت‌وبرگشتی سیگنال‌ها بین تالاموس و قشر مغز برقرار می‌کند» (Guyton, 2016, p752). اگر براساس تکرار الگوهای فکری یا رفتاری تمدن نوین اسلامی، شبکه‌های نورونی خاص آن الگو، با سلول‌های عصبی هویت رابطه بلندمدت پیدا کنند و ژنتیک فرد را تحت تأثیر قرار دهند، آن‌گاه پیام سینما پیرامون تمدن نوین طی سال‌ها می‌تواند اثرهای اپی‌ژنتیکی و زیستی پایدارتر را سبب شود که در صورت وسعت و شدت در زمان طولانی‌تر و چند نسل،

سبب تغییرات پایدار ژنتیکی در مکانیسم‌های درگیر و ارگان‌های در معرض این فاکتورهای محیطی شود و با تغییرات ماندگار در بخش‌های عملکردی ژنوم مؤثر بر رفتارهای جمعی افراد و فرهنگ جوامع بشری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و بستر توسعه تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد آمد.

به بیانی دیگر، انسان به این شبکه‌های نورونی تازه‌ایجادشده، مانند هروئین، اعتیاد پیدا می‌کند. این شبکه‌های نورونی رحم ذهن موروثی و جمعی بشر را نیز باردار می‌کند که باید آن افکار و رفتار و سبک زندگی را همه‌جا با خود حمل کند. جنینی از جنس پپتید و نورون و سلول‌های مغزی در ذهن اجتماعی بشریت شکل خواهد گرفت که ساختار نجات‌بخشی بشر و کهن‌الگوها و ناجی را در افکار و روان انسان و ذهن اجتماعی او تغییر خواهد داد و کُدگذاری ذهن موروثی را با کدهای تمدن نوین عوض خواهد کرد. قطعاً برای همه اتفاق افتاده که نامی اصطلاحاً سر زبانمان است، اما نمی‌توانیم بیانش کنیم. آن اسم را می‌دانیم، اما نمی‌توانیم به بخش جلویی مغز خود بیاوریم. درواقع، چیزی در اعماق مغزمان وجود دارد که به دنبالش می‌گردیم؛ این اسم همان رؤیای ازلی بشریت است. زمانی که یادآوری دقیق آن رؤیا با شکست روبه‌رو می‌شود حافظه انسان روش دیگری برای اطلاع‌دادن از این حقیقت، که چیزی مرتبط با آن وجود دارد، اتخاذ می‌کند. وقتی فرایند حامله‌سازی ذهن انسان شکل گرفته باشد، مغز فرد خطا می‌کند و با احساس آشناپنداری خاطرات و افکار و اطلاعات کاذب شکل‌گرفته توسط شبکه‌های نورونی مغز را به‌جای حقیقت رؤیا از اعماق پنهان ذهن و لایه‌های زیرین مغز استخراج و کشف می‌کند. فعل و انفعالات شیمیایی سینما در ذهن انسان دقیقاً این‌گونه است که ذهن انسان را با پیام‌های خود باردار می‌کند.

سؤال این است که خاطرات کاذب چگونه در ذهن شکل می‌گیرد و چگونه ما را دچار اشتباه می‌کند؟ اگر با زبانی غیر از زبان روان‌کاوانه و روح‌پژوهانه بخواهیم سخن بگوییم، قطعاً زبان فیزیولوژی و نوروبیولوژی را انتخاب خواهیم کرد. بدون تردید، سینما، با تولید تجربیات حسی دیداری و شنیداری، رسپتورهای بینایی و شنوایی تماشاگر را در قبال تجربیات زیسته سینمایی در جهان ذهنی فیلمیک تحریک می‌کند. بیشتر فعالیت‌های سیستم عصبی هم از تجربیات حسی نشئت می‌گیرند که گیرنده‌ها یا رسپتورهای حسی، چه رسپتورهای بینایی در چشم، چه رسپتورهای شنوایی در گوش، یا سایر انواع رسپتورها را تحریک می‌کنند. خاطره این تجربیات می‌تواند تا

سال‌ها در مغز ذخیره و تهنشین شود که به آن کاشت فکر و خاطره در ذهن تماشاگر می‌گوییم و این خاطرات می‌توانند واکنش‌های آینده تماشاگر را در جهان عینی و واقعی زندگی تحت‌الشعاع قرار دهد (Guyton, 2016, p577). این خاطرات انباشته سینمایی در سیستم عصبی به مکانیسم پردازش مغز برای تفکرات بعدی تماشاگر در مواجهه با تجربیات جدید زندگی واقعی تبدیل می‌شود.^۱ جالب‌تر آن‌که «بیش از ۹۹ درصد تمام اطلاعات حسی به‌وسیله مغز، به‌عنوان اطلاعات نامربوط و بی‌اهمیت، دور انداخته می‌شوند» (Guyton, 2016, p578). یعنی با توجه به تجربیات حسی و خاطرات جدید تماشاگر در جهان ذهنی فیلمیک، فرایند فکری مغز کاملاً کانالیزه‌شده و مشخص است^۲ و فعالیت پردازشی مغز فرد در اغلب تجربیات و امور پیش روی زندگی، با توجه به پیش‌زمینه‌ها و خاطرات ذخیره‌شده و نیز موقعیت جدید ایجادشده، به آنالیز جدید نیاز ندارد.^۳ بنابراین، بیشتر رفتارهای انسان در نتیجه همین فرایند فکری کانالیزه‌شده است که با توجه به کاشت فکر یا اطلاعات و خاطرات از قبل ذخیره‌شده در مغز صورت می‌گیرد (Guyton, 2016, p732). بنابراین متغیر دیگر در ترسیم تمدن نوین اسلامی، کنترل متفکرانه رفتاری جامعه است که مسیر آن در تحقیقات نوروبایولوژیکی سینما از رهگذر نابودی شبکه‌های نورونی هویت سکولار فرد و شکل‌گیری شبکه‌های نورونی هویت اسلامی و تقویت حافظه تمدنی و کانالیزه‌کردن خاطرات زیست‌نشده تمدنی در مغز و ذهن افراد جامعه عبور می‌کند.

اگر رفتار تمدنی کانالیزه‌شده در فرایند فکری مغز، غیرتوحیدی و ضد کرامت انسانی باشد و با هدف اصلی خلقت (عبودیت) و سبک زندگی اسلامی در تعارض باشد، برای جلوگیری از تکامل

.....
۱. «همین‌که خاطره‌ها در سیستم عصبی انباشته شدند به‌صورت قسمتی از مکانیسم پردازش مغز برای تفکرهای بعدی درمی‌آیند؛ به این معنی که روندهای تفکری مغز تجربیات حسی جدید را با خاطره‌های انباشته مقایسه می‌کنند» (Guyton, 2016, p579).

۲. مثلاً انسان معمولاً از قسمت‌هایی از بدن خود که با لباس‌هایش تماس دارد و همچنین از فشاری که هنگام نشستن به نشیمنگاه او وارد می‌شود کاملاً آگاه نیست. به همین ترتیب، توجه شخص به‌ندرت به جسمی در میدان دیدش جلب می‌شود و حتی سروصدای دائمی محیط اطراف معمولاً به‌بخش ناخودآگاه تبعید می‌شود.

۳. هر فردی وقتی با یک پیشامد در زندگی مواجه می‌شود فرایند فکری مغز او این پیشامد را با دو پارامتر آنالیز آنالیز می‌کند: یکی؛ اطلاعات ورودی حسی به مغز که مربوط به پیشامد است و دیگری؛ اطلاعات ذخیره‌شده از قبل در حافظه (Guyton, 2016, p732).

این چرخه باطل، باید این جنین نامشروع را سقط کرد. درمان این وضعیت به منزله سقط این جنین است که یکی از راه‌های آن مهندسی معکوس از طریق همین فرایند است. با این تفاوت که پیام سینما باید منطق بر داده‌های توحیدی و انسانی باشد. هرگاه فرایند فکری‌ای را که واکنش شیمیایی برای بدن ایجاد می‌کند قطع کنیم، سلول‌هایی که به هم متصل‌اند ارتباط بلندمدت خود را از دست خواهند داد و هویت فرد دگرگون خواهد شد؛ مانند بسیاری از افکار که در سیر زندگی بشریت به گفتار و رفتار و کم‌کم به حالات و سکنات و صفات بشری تبدیل شده‌اند. یعنی، با قطع این زنجیره‌ها، کانال جدیدی در انبار ذهن ایجاد می‌شود و فرایند جدیدی برای پردازش و آنالیز افکار و خاطرات در ذهن ایجاد می‌شود. سینماگر می‌تواند، با توجه به تمایلات شیمیایی بدن، الگو و فکر جدیدی را تکثیر و تکرار کند و با خلق وضعیت و موقعیت جدید حالات و افکار و رفتاری را در تماشاگر ایجاد کند که در راستای فعالیت بیوشیمی سلول‌های بدن او قرار گیرد. از این رهگذر می‌توان تعلقات و هویت تمدنی ضدین فرد را از او دور کرد و در مقابل هویت تمدنی اسلام را به او بخشید و او را به قرب الهی رساند و با ساماندهی نظام تربیتی در سینما، جامعه سکولار را با سینماتراپی به جامعه الهی و مدینه آرمانی نبی اکرم نزدیک نمود. اطلاعات مهم حسی، مغز را تحریک می‌کنند و بلافاصله این اطلاعات یا خاطرات به داخل نواحی جمع‌بندی‌کننده مغز فرستاده می‌شوند تا واکنش‌هایی مطلوب ایجاد کنند (Guyton, 2016, p578). اگر این اطلاعات حسی و تجربیات برای مغز جدید باشد و در فرایند فکری مغز در هیچ‌یک از کانال‌های موجود در انبار اطلاعات سیستم عصبی مغز کانالیزه نشود، موقعیت جدیدی برای مغز ایجاد می‌شود که با ذخیره‌سازی مختصات آن در انبار خاطرات و اطلاعات مغز در پردازش اطلاعات ورودی بعدی مغز موسوم به عمل جمع‌بندی‌کننده سیستم عصبی بسیار مؤثر است. به این فرایند «کنترل متفکرانه رفتاری» گفته می‌شود (Guyton, 2016, p732;578). درواقع سینما در هویت و پیکره تمدن نوین اسلامی موظف است با کنترل متفکرانه رفتاری، اسلام آموزه را به اسلام فرهنگ و اسلام فرهنگ را به اسلام تمدن تبدیل کند و با رفتارسازی تمدنی و ایجاد نوع‌زیست اجتماعی جدید، تمدن نوین اسلامی را برپا نماید.

وقتی ساختارهای غلط و قوانین خودساخته حکام و نظام‌های اجتماعی مدام در ذهن تکرار شوند، توجه انسان را به خود جلب می‌کنند و جامعه شرطی می‌شود. «تحقیقات درمورد مغز و روان انسان در سال‌های اخیر نشان داده است که در مغز چیزی وجود دارد که به تکرار الگو توجه

می‌کند و توانایی ایجاد ارتباط بین موارد آموخته‌شده در زمان‌های متفاوت را دارد و این افکار جدید هستند که باعث تولید حرکات و رفتارهای جدید می‌شوند و درنهایت یک فرد را به هدف جدید هدایت می‌کنند» (متولی‌زاده اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۷۶).

بنابراین منطق جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی حکم می‌کند که سینما باید برای رهایی از وضع ظالمانه موجود و رسیدن به وضع مطلوب ترسیم‌شده در تمدن نوین اسلامی، تفکرانی مخالف تفکر قشر فرادست جامعه و نظام‌های اجتماعی الگوسازی و تکرار کند تا گرداب سکوت درهم‌پشکند و جنین نامشروع تاریخی بشر با شکستن دیواره‌های صوتی رسانه‌ای سقط شود و اهداف و قوانین اجتماعی جدید بر مبنای تفکرات و رفتار اجتماعی جدید شکل بگیرد و قشر فرودست جامعه با ابراز تفکرات و باورهای خود در سطح جامعه از انزوا درآید و درنهایت مانع دگرگونی تفکرات، فرهنگ، رفتار و ژنوم جامعه و ذهن تاریخی جوامع شود. نوروفیزیولوژی هم علاوه بر علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، مؤید این فرایند است. این همان نظام تولی و تبری است که با استفاده از ابزار و تکنولوژی جدید در کالبد جامعه و سیستم حکمرانی و حاکمیتی دمیده می‌شود و الگوی جدیدی از تمدن اسلامی ارائه می‌دهد. لذا نظام هنری و سینمایی کشور برای کمک به ترسیم و تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند دگرگون‌سازی سیاست‌های راهبردی خود مبتنی بر مبانی و مبادی اسلامی و ممیزه‌های چهارگانه تمدنی اسلام با غرب (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و غایت‌شناسی) است. سینما حتی نیازمند تغییر جدی در دیپلماسی سینمایی بعد از انقلاب اسلامی است تا ترسیم درستی از تمدن نوین در عرصه بین‌المللی صورت پذیرد که صدور آن عامل حفظ و تحکیم هویت تمدنی است؛ نه آن‌که معرف فرهنگ و تمدن و سینمای ایران فیلم‌هایی مانند عنکبوت مقدس، جدایی نادر از سیمین و فروشنده در جشنواره‌های کن و اسکار و... باشد. درواقع با ارائه الگوهای جدید رفتاری و زیستی، این باورهای غلط اجتماعی است که در گرداب سکوت به فراموشی سپرده می‌شوند و قشر فرادست جامعه مأیوس می‌شوند و در پی دگرگونی ساختارهای اجتماعی فرادستان، فرودست می‌شوند و فرودستان با رؤیا و آرزو و تمنیات تشکیل مدینه فاضله صالحه‌ای که ظلم و فساد و خونریزی در آن نباشد فرادست می‌شوند و به رؤیای کهن و آرزوی دیرینه خود می‌رسند. اندیشه تمدن نوین اسلامی در رهگذر اتصال میان عرصه نظر و عمل و بر بستر تحلیل تاریخی تجربه تمدنی صدر اسلام، تجربه تمدنی غرب و نیز تجربه تطور و حضور تشیع در عرصه حکومت در سده‌های اخیر است و

ازسوی دیگر، بر توانمندی‌های فقهی و فلسفی و منصب‌های حکومتی پایه‌گذاری شده است و این اندیشه تمدنی در رحم تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در دوران معاصر تکوین می‌یابد و سینمای انقلاب بهترین بستر برای تکوین این تمدن است.

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی در رحم تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در دوران معاصر تکوین می‌یابد و سینمای انقلاب بهترین بستر برای تکوین این تمدن است. رفتار و فرهنگ یک جامعه بیان‌کننده ژنتیک رفتاری آن جامعه است و پیام‌های آموزشی و تربیتی سینما از طریق تأثیر محیطی روی زن، می‌تواند فرهنگ و سبک زندگی و رفتار تمدنی جوامع و نسل‌های آینده را تغییر بدهد. سینما در هویت و پیکره تمدن نوین اسلامی موظف است با کنترل متفکرانه رفتاری، اسلام آموزه را به اسلام فرهنگ تبدیل کند و باورهای غلط اجتماعی را در گرداب سکوت به فراموشی در افکار عمومی بسپارد و اسلام فرهنگ را به اسلام تمدن تبدیل کند و با رفتارسازی تمدنی و ایجاد نوع‌زیست اجتماعی جدید، تمدن نوین اسلامی را برپا کند. سینمای انقلاب باید در رحم توحیدی اسلام و انقلاب اسلامی حیات پیدا کند تا هویت جدید تمدنی اسلام تحکیم شود و جامعه به قرب الهی برسد و با ساماندهی نظام تربیتی در سینما جامعه آرمانی نبی اکرم شکل بگیرد.

متغیرهای تحقق تمدن نوین اسلامی از رهگذر نظام هنری و سینمایی کشور را می‌توان این‌گونه برشمرد؛

- ساختار دینی فیلم و سینما
- بافتار دینی توده تماشاگران
- زیست‌بوم تربیتی جامعه
- کنترل احساس نوگرایی در فرد و جامعه
- ترویج نوع‌زیست تمدنی مبتنی بر ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی
- کنترل متفکرانه رفتاری جامعه مبتنی بر تقویت حافظه مجازی تمدنی و الگودهی تمدن نوین اسلامی

نظام سینمایی می‌تواند با طرح معماری و مهندسی متغیرهای مذکور، تماشاگر را در جهان‌فکر

تبری و تولی مبتنی بر مبانی و مبادی اسلامی و در چارچوب مفهومی متغیرهای پیش گفته به منظور مبارزه با استکبار و تلاش برای تغییر وضع موجود و تحقق تمدن نوین اسلامی عملگرا کند.

تقدیر و تشکر

به امید اهتمام مجامع علمی برای تشکیل میزهای تخصصی علمی بینارشته‌ای مؤثر و کاربردی؛ مراتب تشکر خود را از مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی اعلام می‌کنم.

تضاد منافع

نویسنده تضاد منافی اعلام نکرده است.

منابع

کتاب و مجلات

- آلبرتس، بروس (۱۳۸۷). *مبانی زیست‌شناسی سلولی*. ترجمه حسین بهاروند. چاپ ۲، تهران: خانه زیست‌شناسی.
- اکرمی، سید محمد (۱۳۹۱). ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می‌کنند؟ / *اخلاق زیستی*، ۲(۴)، صص ۱۸۱-۱۹۲.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- بیکر، کاترین (۱۳۸۷). *ژن‌ها و انتخاب‌ها*. ترجمه خسرو حسینی پژوه. چاپ ۲، تهران: مدرسه.
- جلالی، غلامرضا (آبان ۱۳۸۳). *نظریه اخلاقی سینما*. *بیناب (سوره مهر)*، ش ۷، صص ۱۳۶-۱۵۷.
- حائری روحانی، سید علی (۱۳۹۵). *فیزیولوژی اعصاب و غدد*. چاپ ۱۸، تهران: سمت.
- خمینی، روح‌الله بی‌تا. *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۷). *تاریخ تمدن*. ترجمه طباطبایی و دیگران. جلد اول، چاپ ۲، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- دهقان، اسماعیل (۱۳۸۹). هم‌بسته‌های عصبی ناهشیار جمعی یونگ. پژوهش‌های فلسفی، ش ۱۸، صص ۹۹-۱۱۹.
- راسخ، شاپور (دی ۱۳۴۴). نقش سینما در زندگی و تمدن جدید. نگین، ش ۷، صص ۱۹-۲۲.
- راسخ، شاپور (شهریور ۱۳۴۸). نقش سینما در زندگی و تمدن جدید. نگین، ش ۵۲، صص ۱۱-۱۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سالک، رضا (بهار ۱۳۷۷). نوجوانان و رسانه‌های تصویری. نقد سینما، ش ۱۳، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دایره‌المعارف تطبیق علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (مرداد ۱۳۴۳). انسان تماشاگر - کاوشی در روان‌شناسی فیلم و سینما. مسائل ایران، ۲ (۱۰)، صص ۴۳۷-۴۴۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- کوئن، بروس (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. چاپ ۱۲، تهران: سمت.
- گابلر، نیل (۱۳۹۳). امپراتوری هالیوود: مروری بر زندگی خالقان یهودی سینما. ترجمه الهام شوشتری‌زاده. چاپ ۲، تهران: عابد - سایان.
- لیبرمن، دانیل. ز.، و لانگ، مایکل. ای (۱۳۹۷). دوپامین مولکولی با خواص شگفت‌انگیز. ترجمه محمداسماعیل فلزی. تهران: مازیار.
- متولی‌زاده اردکانی، علی (۱۳۸۸). ژنتیک رفتار و فرهنگ. اخلاق پزشکی، ۳ (۷)، صص ۶۵-۸۳.
- مظلومان، رضا (مهر ۱۳۵۵). اثر سینما در کودکان و نوجوانان. مکتب مام، ش ۸۲، صص ۵-۱۲.
- مظلومان، رضا (آبان ۱۳۵۵). اثر سینما در کودکان و نوجوانان. مکتب مام، ش ۸۳، صص ۵-۱۲.
- نظرعلی، پروانه.، ثیابی، رقیه.، و حناچی، پریچهر (۱۳۹۱). مقایسه تمرین هوازی و بی‌هوازی بر سطوح اندورفین پلاسمایی دختران فعال و غیرفعال. علوم زیستی ورزشی، ش ۱۳، صص ۳۷-۵۰.

- یانگ، اسکپ دین (۱۳۹۴). روان‌شناسی در سینمای هالیوود. ترجمه سیده فاطمه موسوی و لیلا گنجی. تهران: سروش.

سایت

- حوزه کلینیک گروه علمی پزشکی باشگاه خبرنگاران، «از دوپامین چه می‌دانید؟»، (۱۳۹۷/۹/۱۱). Retrieved from <https://www.yjc.ir/fa/amp/news/6712236>
- سایت اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، «بیانات». Retrieved from: <http://www.Khamenei.ir>
- شعبی، فاطمه. «خنده‌درمانی». توسعه‌دهندگان علمی-آموزشی-سرگرمی، (بی‌تا). Retrieved from: www.tedsa.com/wp-content/uploads/2018/04/KhandeDarmani.pdf
- مجله سرگرمی باشگاه خبرنگاران، «هورمون‌های شادی آور کدام‌اند؟»، (۱۳۹۶/۲/۲۵). Retrieved from: <http://www.yjc.ir/fa/news/6088159>
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۱۴)، «فرهنگ و هنر از دیدگاه رهبر انقلاب». Retrieved from: <https://chb.farhang.gov.ir/fa/rahbar>

فیلم

- تختخواب سوزان
- The Burning Bed (1980), Dir: Robert Greenwald, United States: Tisch, Avnet Productions Inc.
- دوستان
- Friends (1934), Dir: David Crane & Marta Kauffman, United States: Columbia Pictures. Bright, Kauffman, Crane Productions, Warner Bros, Television.
- ماتریکس
- The Matrix (1999), Dir: The Wachowskis. United States & Australia: Warner Bros, Village Roadshow Pictures, Silver Pictures, Roadshow Entertainment.

– یک شب اتفاق افتاد

- It Happened One Night (1934), Dir: Frank Capra, United States: Columbia Pictures.

References

- Akrami, M. (2012). Genetics or environment: which determines our future? *Akhlaghe-e Zisti*, 2(4), 181-192 [In Persian].
- Alberts, B. (2008). *Essential cell biology*. Translated by Hossein Baharvand. Second edition. Tehran: Khaneye Zist Shenasi [In Persian].
- Amid, Hasan, (1995). *Farhang-e Amid*, Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Baker, C. (2008). *Your genes, your choices: exploring the issues raised by genetic research*. Translated by Khosru Hosseini Pajoh. secuond edition. Tehran: Madreseh [In Persian].
- Birou, A. (1987). *Vocabulaire pratique des sciences sociales*. Translated by Bagher Sarokhani. Tehran: Keyhan [In Persian].
- Dehghan, E. (2010). The collective unconscious neural correlates of Jung. *Pazhoheshhaye phalsafi*. 6(18), 99-119 [In Persian].
- Durant, W. (1988). *The story of Civilization*. Translated by Tabatababee & others, Tehran: Sazmen-e entesharat va amozesh-e enghelab-e islami. First volume. Second edition [In Persian].
- Gabler, N. (2014). *An empire of their own: how the Jews invented Hollywood*. translated by Elham ShushtariZadeh. second edition, Tehran: Abed - Sayan [In Persian].
- Gračanin, A., Bylsma, L., and Vingerhoets, A. (2014). “Is crying a self-soothing behavior?” *Front Psychol*, 5: 502. [https://doi: 10.3389/fpsyg.2014.00502](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2014.00502)
- Haeri Ruhani, A. (2016). *Neuro physiology and endocrinology*. 18th edition. Tehran: Samt. [In Persian].
- Hall, J. (2016). *Guyton and Hall textbook of Medical Physiology*, Thirteen edition, USA: Elsevier.

- Jalali, Gh. (Oct2004). Ethical theory of cinema. *Binab* (Sore-ye mehr), 2(7), 136-157 [In Persian].
- Khomeini, R (ND). *Messages and speeches*. Tehran: Moaseseye Tanzim va Nashre Asare Emam Khomeini [In Persian].
- Kohen, B. (2001). *Introduction to sociology*. translated by Gholamabbas Tavassoli va Reza Fazel. 12th edition. Tehran: Samt [In Persian].
- Lieberman, D., and long, M. (2018). The molecule of more: how a single molecule in your brain drives love and creativity-and will determine the fate of the human race. translated by Muhammad esmaeel Felezi, Tehran: Maziar [In Persian].
- Mazluman, R. (Sep1976). The effect of cinema on children and adolescents. *Maktabe mam*, 10(82), 5-12 [In Persian].
- Mazluman, R. (Oct1976). The effect of cinema on children and adolescents, *Maktabe mam*, 10(83), 5-12 [In Persian].
- Motavallizadeh Ardakani, A. (2009). Genetic, behavior and culture. *Akhlaghe Pezeshki*, 3(7), 65-83 [In Persian].
- Murube MD, J. (2009). "Hypotheses on the Development of Psychoemotional Tearing". *The Ocular Surface*. Vol.7, Issue4, 171-175.
- NazarAli, P., Siabi, R., and Hanachi, P. (2012). Comparison of aerobic and anaerobic exercise on plasma endorphin levels in active and inactive girls. *Olum-e Zisti Varzeshi*, 4(13), 37-50 [In Persian].
- Pembrey, M. (2018). "Does cross-generational epigenetic inheritance contribute to cultural continuity?." *Environmental Epigenetics*, 1-8.
<https://doi:10.1093/eep/dvy004>
- Rasekh, Sh. (Dec1965). The role of cinema in modern life and civilization, *Negin*, 1(7), 19-22 [In Persian].
- Rasekh, Sh. (Aug1969). The role of cinema in modern life and civilization, *Negin*, 4(52), 11-14 [In Persian].

- Saheb-alzamani, N. (July1964). The Spectator-An Exploration into the Psychology of Film and Cinema. *Masaele Iran*, 3(22), 437-444 [In Persian].
- Salek, R. (Spring1998). Teenagers and visual media, 6(13), 101-112 [In Persian].
- Sarokhani, B. (1991). *Dayerat-alMaaref Olume Ejtemaee*. Tehran: Keyhan [In Persian].
- Shayanmehr, A. (1998). *Encyclopedia of Applied Social Sciences*. Tehran: Keyhan [In Persian].
- Young, S. (2015). *Psychology at the movies*. translated by Seyedeh Fatemeh Mousavi & Leyla Ganji, Tehran: Suroush [In Persian].

Website

- Burgess, L. (2017). Eight benefits of crying: Why it's good to shed a few tears. Reviewed by Timothy J. Legg, PhD, CRNP. Retrieved from <http://www.medicalnewstoday.com/articles/319631>
- Journalists' Club Scientific-Medical Group Clinic Area. (2018/12/2). What do you know about dopamine? Retrieved from <https://www.yjc.ir/fa/amp/news/6712236>
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2019/2/3). Culture and art from the perspective of the Revolutionary Leader. Retrieved from <https://chb.farhang.gov.ir/fa/rahbar>
- Shuaibi, F. laughter therapy. Tosee dahandegane elmi-amozeshi-sargarmi, (ND). Retrieved from <http://ww.tedsa.com/wp-content/uploads/2018/04 /KhandeDarmani.pdf>
- The Official Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of the Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei, Speeches. Retrieved from <http://www.Khamenei.ir>
- Bashgahe khabarnegaran-e javan. (2017/5/15). What are the joyful hormones? Retrieved from <http://www.yjc.ir/fa/news/6088159>